فلج شقی: پستی حالت اجتماعی زنان

6 مردادماه قدیم 1290 یزدگردی-غرّهء ربیع الثّانی سنة 1339-13 دسامبر فرنگی 1930 میلادی Jahrg.5.Nr.12.Neue Folge. کسانیکه در ایران طالب اشتراک روزنامهء کاوه در سال آینده آن(که از غرّهء جمادی الأولی 1339 شروع میشود)هستند و یا مشترکینی که مایل بمداومت در اشتراکند باید قبلا وجه اشتراک را بوکلای کاوه پرداخته و قبض گرفته باداره بفرستند بطوری که تا موعد انتشار شمارهء اوّل سال دوم(دورهء جدید)وجه بما برسد وگرنه روزنامه قطع میشود.

فلج شقّی‏ پستی حالت اجتماعی زنان

در اهمیّت زن و مقام اجتماعی او در یک ملّتی خیلی گفته و نوشته‏ شده و بعید نیست اگر تعصّبات جاهلانه مانع نبود اغلب مردم از طبقهء تمدّن‏دوست ایران معتقد میشدند که بدون تربیت زنان و آزادی آنها و دادن‏ حقوق انسانی بانها محال است یک مملکت مسلمان بپای ملل فرنگ برسد و حّتی پس از صدها سال نمیتواند همدوش ملل مسیحی شرق از ارمنی‏ و گرجی هم بشود.لکن تعصّبات جاهلیّت صدها طلسم آهنین در مقابل آزادی‏ زنهای ایرانی کشیده و میترسم که زور تربیت‏شده‏گان ایران و ابنای‏ دورهء جدید بشکستن این سدّ که علاقه‏مندان در جهالت عامّه شالودهء آنرا بناحق روی اساس دینی گذاشته‏اند نرسد و بلکه خود طبقهء روشن‏بین‏ زیر چرخ تعصّب خرد و له بشوند خصوصا که عزم و همّت تربیت‏شده‏گان‏ ملّتی که ورزش بدنی در آن غیر رایج و وافور و آلکل شایع است با اشکالات‏ سخت و موانع آهنین چگونه مقاومت تواند کرد.در نتیجهء این تعصّبات‏ حالت زن ایرانی بحدّی پست است که از کنیز زرخرید و دوابّ بارکش‏ اندکی بهتر است و اوضاع تربیت و طفولیّت و دختری و زنی و مادری‏ و زناشوئی و طلاق و غیره در بدترین درجهء امکان است.از زنهای‏ پایتخت و شهرهای بزرگ بگذرید و نظری بزنهای قمشه و جهرم و سراب‏ و گرمرود و قوچان و قراجه‏داغ بیندازید و آنوقت بخاطر بیاورید گله‏مندی‏ ایرانیان سیاسی را از ویلسون(رئیس جمهوری سابق آمریکا)که‏ چرا وقتیکه با زنش بپاریس آمد در مجلس صلح برای ایران و استقلال‏ کامل آن خودکشی نکرد و ایران را همدوش مماک اروپا ننمود.ایران‏ اگر تمام وسایل ترقّی برایش مهیّا باشد و فقط حالت زنان اصلاح اساسی‏ نیافته باشد در میدان مبارزه و مسابقه با ملل زندهء دنیا عاجز خواهد بود و کارش با دیگران در این میدان مانند سباق دو نفر مردی خواهد بود که یکی‏ سالم و قوی و دیگری مبتلا بفلج شقّی باشد(یعنی نصف راست یا چپ بدنش‏ فالج و بیحسّ و حرکت باشد).

در این اواخر پس از آنکه مردان بیدار ملتّهای مسلمان مدتها و بهزاران بیان در این مسئله گفتند و نوشتند و مخصوصا نویسندگان مصر (که قشون فرنگی اختیار حرف زدن را در آنجا از دست شیخ الأسلام و مفتی گرفته و آزادی کلام آورده بود)مانند قاسم امین و خیلی دیگر بدلایل‏ عقلی و شرعی لزوم آزادی زنان را اثبات کردند طبیعت معتاد کهنه پرست‏ بعضی تربیت شدگان ممالک مسلمان متوسّل بپیدا کردن دلایل تازه برای‏ مقصود کهنهء خود شده و چیزهای عجیبی از فرق مزاجی و جسمانی زن‏ برای لزوم پست داشت زن پیدا کردند.این«دلایل»که فقط عادت و میل بعقیدهء قدیمی و سختی جدا شدن از آن آنها را از زوایای علم طبّ و تشریح‏ بیرون کشیده بهیچ وجه مناسبتی با مدّعا ندارد.مثلا اینکه دانه‏های سرخ ذرّه بینی‏ خون زن کمتر از مرد است،دماغ زن سبکتر از مرد است،قوّت او کمتر است،در استخوان‏بندی استخوانهای پهلو و فقرات و خاصره در زن و مرد فرقهائی جزئی موجود است،اعصاب زن زودتر متأثّر میشود، عادت ماهانه،حمل و شیردادن و حتّی مو در نیاوردن صورت دلیل فرق‏ دو جنس و در نتیجهء عملی دلیل دو زن گرفتن یا طلاق دادن،اسیر کردن‏ و زدن زن فرض میشود!!اگر از روی این منطق یکی از علمای اروپا بحقانیّت‏ تسلّط ملل فرنگ بر ملل شرق بدلایل سیاهی مو و چشم ایرانیها و کوتاهی‏ قامت ژابونیها،زود بالغ شدن عربها،سبکی جزئی دماغ چینیها1لاغری‏ و تیرگی رنگ هندیها استدلال کند آیا ما حاضر بقبول آن هستیم؟این‏ دلایل«نیش غولی»بقول طلاّب فقط ناشی از یک قانون طبیعت است‏ و آن این است که انسان آنچه را که در طفولیّت از روی یک دلیل واهی‏ بطور راسخ معتقد و معتاد شده پس از تعلیم و تربیت نیز چون دلیل قدیمی‏ در نظرش باطل میشود با لطّبیعه و بدون قصد مایل است بر اینکه دلیل‏ تازه و معقولتری موافق عصر و زمان از همان سرمایهء تربیت خود برای‏ عقیدهء مأنوس و محبوب قدیمی خود بتراشد و دلش میخواهد آن عقیده را همیشه زنده کند.مثلا در اروپا برای یهودیها هزاران عیب میجویند و دلایلی از نژاد و خواصّ فطری ببدی آنها میأورند در صورتیکه اصلش‏ همان کشتن عیسی باعتقاد مسیحیان است که در قرون وسطی نیز همین‏ تعصّب مذهبی شدّت گرفته است،ایرانیهای مسلمان مادامیکه مؤمن و مقدّسند بابیها را محض اینکه دین تازه آورده و بشاه«شهید»تیر انداخته‏اند واجب‏ القتل میدانند و وقتیکه سیاسی شدند آنها را متمایل بروس و یا انگلیس‏ شمرده باز خونشان را مباح میشمرند.شیعیان ایرانیان ابتدا بغاصبین خلاف‏ طعن و لعن میکردند و پس از سیاسی شدن باز با همان اشخاص محض برهم زدن‏ استقلال قدیم ایران مدّعی میشوند،عثمانیها در قرون گذشته ایرانیان را رافضی گفته و قتل عام آنها را لازم میدانستند و پس از«تربیت»ژون ترک‏ها در پاریس اغلبی از آنها نژاد ایرانی را دشمن داستانی توران و مانع عظمت‏ و جهانگیری ترکها و یا مخلّ اتحّاد اسلام بمعنی عجیب ژون ترکی آن کلمه شمرده‏ قطع نسل آنها را ترویج و تبلیغ میکنند که از کاشغر و مانچوری تا سرحدّ اتریش اردوی سرخ چنگیز بآسانی خیمه بزند و آسیا خوشبخت گردد!! بعضی ایرانیان در مقام امیدواری و ردّ اقوال بدبینان گویند که حالا دیگر اوضاع بترتیب قدیم نیست و در بیست سال آخری در طهران در محلّهء حسن‏آباد و محلّهء دولت ترقّان شایان بعمل آمده و زنها تا اندازهء فهمیدن‏ معنی سورهء یوسف درس خوانده و مردها هم دیگر بیش از دو نفر منکوحه و یک متعه زن نمیگیرند و اگر باین قرار پیش برویم عنقریب بملل‏ فرنگ میرسیم غافل از اینکه در همین بیست سال که ما برای جایز یا حرام‏ بودن الف با خواندن زن بسر و کلّهء همدیگر میزدیم اروپا و آمریکا قدمهای‏ بزرگی باز در این موضوع برداشته و حقّ رأی در سیاست مملکت بزنها دادند و در مجلس ملّی بعضی از ممالک زن و مرد پهلوی همدیگر مینشینند.اگر بدین سیاق ما پیش برویم پس از دویست سال هم بگرد یهودیهای چاله‏ میدان نمیرسیم زیرا که آنها نیز میروند و تندتر هم میروند.

\*\*\*

در ذیل قصیده‏ای راجع بهمین موضوع یعنی حقوق زنان و جور و ستم بآنها در ایران نشر میکنیم که بسیار لایق تحسین و آفرین است. این قصیده از آقای میرزا ابراهیم خان رشتی معروف بپور داود است که‏ اشعار ایشان بطور متفرّقه اغلب بنظرها رسیده و دیوان کامل ایشان امید است عنقریب منتشر گردد.این قصیدهء شاعر معاصر علاوه بر مزیت ادبی‏ و اسلوب مطبوع آن دارای یک روح تازه و حکمت عالی و اثر تمدّن است‏ و آن عبارت است از دفاع صریح از حقوق انسانی زنها.شعرای ما بسه‏ جهت بیش از دیگران باید برای آزادی و تربیت و اختیارات زن‏ بکوشند.نخست آنکه شعر غالبا یک انعکاسی از احساسات لطیفهء عشق‏ و ستایش حسن طبیعت است و زن بهترین نمونهء حسن و محبّت در یکجا میباشد و تکلیف شعرای ما که کلید ترویج و پرورش انواع عشق و محبّت‏ در دست آنهاست میباشد که این حسّ لطیف و طبیعی و عالی را از راههای‏ منفور برگردانیده و کثافاتی را که اسلاف آنان بآن جوهر پاک مخلوط کرده‏اند و مانند گل و خاک خوردن اطفال غیر ممیّز است از آن نور الهی زایل کنند و در قلوب مردان مملکت یک احساس پاکتری بدمند. دوّم آنکه تلافی گناه و ظلم گذشتگان از شعرای بزرگ ایران دربارهء زن‏ فریضهء همّت اخلاف این طبقه است.پیشینیان شعرا قدرت طبع خود را در پست کردن قدر زن و طعن و نکوهش بآن جنس صرف کرده و سرمایهء عظیمی از ضلالت عامهء انباشته و اخلاق ملّت را براه بد و ضدّ تمدّن‏ کشیده‏اند و در این فقره شکی نیست که یک قسمت مهمّی از اخلاف‏ ملّی ما بواسطهء شعرا ایجاد شده و شعر در ایّام گذشته فقط چیزی بود که‏ در جمیع طبقات ملّت از خاص و عام و دهقان و شهری و چادرنشین‏ خوانده میشد و انتشار آن محتاج بسواد عمومی نبود.سوّم آنکه امروز نیز شعر در میان عامّهء ملّت انتشار و سبع دارد و در حافظه‏ها ضبط شده‏ و در افواه سیر میکند و بدین جهت دائرهء انتشار و تأثیرش از مقالات‏ مطبوعه و جراید بزرگتر است و از همین لحاظ است که با آنکه سلیقهء ما بدرج اشعار نیست قصیدهء شاعر تمدّن دوست و سخنور خود را که همواره‏ بحوزهء هموطنان این شهر روح و صفا و رونقی میبخشد و احساسات‏ طبقهء جوان و آزادی دوست ملّت را بترانهای خود منعکس میسازد بهر مقاله‏ای در این باب ترجیح داده و آنرا زینت صحایف روزنامه میکنیم‏ و آنچه هم نوشتیم فقط مقدّمه‏ای بود برای جلب توجّه خوانندگان بذی‏ المقدّمه که قصیدهء ذیل است.

در باب شخص آقای پور داود و آثار ادبی او لازم نمیدانیم شرح‏ زیادی بدهیم زیرا بهترین معرّف او اشعار و خیالات اوست. (1)بموجب یک جدول احصائی که از اوزان عده مختلفی از دماغهای نژادهای ملل‏ مختلف اروپائی و چینی و کاکاسیاهها ترتیب داده‏اند معلوم شده در وزن متوسط آنها موجود است و مال چینیها اندکی سبکتر از ملل اروپائی است